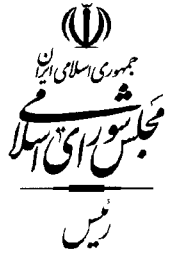


شماره: ۵۹۳/۸۷۲۸۱

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹

پیوست:

بسته



دسر خانة شورای نگهبان
شماره ثبت: ۹۴۱۰۵۷۷۷
تاریخ ثبت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹
کد پرونده: کد پرونده
ساعت ورود:

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک به منظور
اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های پر درآمد
و تشریفات (پروتکل) الحاقی آن که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و
در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۵ مجلس عیناً به تصویب رسیده
است، به پیوست ارسال می‌گردد.

علی لاریجانی

**لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد و تشریفات (پروتکل) الحاقی آن**

ماده واحده- موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد و تشریفات (پروتکل) الحاقی آن، مشتمل بر یک مقدمه و بیست و هفت ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره- هزینه‌های مالی موضوع بند(۴) ماده(۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد**

با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، به شرح زیر توافق نمودند:
ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه
این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲- مالیات‌های موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات‌های بر درآمد است که صرف‌نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آن وضع می‌گردد.

۲- مالیات‌های بر درآمد عبارت است از کل مالیات‌های بر کل درآمد یا بر اجزای درآمد، از جمله مالیات‌های بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات‌های برکل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه

۳- مالیات‌های موجود مشمول این موافقتنامه به‌ویژه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد

ب: در مورد جمهوری چک:

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی؛ و

- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی

۴- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را

اقتضاء نماید:

الف:

(۱) «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت

جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

(۲) «جمهوری چک» به سرزمین جمهوری چک اطلاق می‌شود که نسبت به

آن حقوق حاکمیتی جمهوری چک به‌موجب قوانین چک و طبق حقوق بین‌الملل اعمال می‌شود.

ب: اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» حسب مورد، به

جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری چک اطلاق می‌شود.

ب: اصطلاح «شخص» اطلاق می‌شود به شخص حقیقی، شرکت و هر

مجموعه دیگری از افراد

ت: اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که

از لحاظ مالیاتی به‌عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ث: اصطلاح «مؤسسه» در مورد انجام هرگونه کسب و کار اعمال می‌شود.

ج: اصطلاح «کسب و کار» شامل انجام خدمات حرفه‌ای و سایر فعالیت‌های

دارای ماهیت مستقل نیز می‌شود.

ج: اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاهد» و «مؤسسه دولت متعاهد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.

ح: اصطلاح «تبعه» اطلاق می‌شود به:

(۱) هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاهد را دارا باشد؛
(۲) هر شخص حقوقی، شراکت یا انجمنی که این وضعیت خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاهد کسب کرده باشد.

خ: اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا ریلی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاهد انجام می‌شود، به‌استثنای مواردی که کشتی، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا ریلی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

ذ: اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

(۱) در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

(۲) در مورد جمهوری چک، به وزیر دارایی یا نماینده مجاز وی اطلاق می‌شود.

۲- در اجرای این موافقتنامه در هر زمانی توسط یک دولت متعاهد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به‌کار رفته در قوانین آن دولت راجع به مالیات‌های موضوع این موافقتنامه در آن زمان است، به‌جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد و هرگونه معنایی به موجب قوانین مالیاتی قابل اعمال آن دولت نسبت به معنای ارائه‌شده برای اصطلاح مزبور به‌موجب سایر قوانین آن دولت تقدم خواهد داشت.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاهد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به‌موجب قوانین آن دولت، به‌لحاظ محل سکونت، اقامتگاه، محل مدیریت مؤثر، محل ثبت، محل تأسیس یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و هرگونه تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی

نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:
الف: او صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار دارد؛ اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی)

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.
پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، صرفاً مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت: هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تابعیت هیچ یک از آنها را نداشته باشد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که به موجب مفاد بند (۱) شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر مؤسسه وی در آن واقع است.

ماده ۵- مقرر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دائم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می شود که از طریق آن، کسب و کار مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می شود.

۲- اصطلاح «مقرر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره،

ب: شعبه،

پ: دفتر،

ت: کارخانه،

ث: کارگاه و

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف یا استخراج از منابع طبیعی

۳- اصطلاح «مقر دائم» همچنین شامل موارد زیر می‌شود:

الف: کارگاه ساختمانی یا پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

ب: ارائه خدمات، از جمله خدمات مشاوره‌ای یا مدیریتی، توسط مؤسسه یک دولت متعاقد یا از طریق کارکنان یا دیگر مستخدمین به کار گمارده شده توسط مؤسسه برای این منظور، اما صرفاً در صورتی که فعالیت‌های دارای ماهیت مزبور در قلمروی دولت متعاقد دیگر طی دوره یا دوره‌هایی ادامه یابد که در مجموع از شش ماه در هر دوره دوازده‌ماهه تجاوز نکند.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقر دائم» شامل موارد زیر نخواهد بود:

الف: استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبارکردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه

ب: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبارکردن یا نمایش

پ: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر

ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه

ث: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه آماده‌سازی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت کسب و کار حاصل از این ترکیب، دارای جنبه آماده‌سازی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن

مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به‌طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع‌ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد و شرایط ایجاد یا وضع‌شده بین آن مؤسسه و عامل در روابط تجاری و مالی خود با شرایط موجود میان مؤسسات مستقل تفاوت داشته باشد، وی به‌موجب این بند، عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعهده‌ی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به‌هرحال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها

و سایر منابع طبیعی از جمله نفت و گاز خواهد بود. کشتیها، قایقها و وسائط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقررات واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، می تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳)، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می شود که اگر به صورت مؤسسه ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه ای که مقر دائم آن است به فعالیت های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه های قابل قبول که برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، از جمله هزینه های اجرائی و هزینه های عمومی اداری که بدین شکل انجام شده است کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد؛ در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- از نظر بندهای پیشین، درآمد منظور شده برای مقرر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده‌ای یا ریلی در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- مقررات بند (۱) همچنین نسبت به درآمدهای حاصل از مشارکت در اتحادیه، تجارت مشترک یا نمایندگی‌های فعالیت‌های بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، اما فقط به آن قسمت از منافع حاصل که قابل تخصیص به شریک به نسبت قدرالسهم در فعالیت‌های مشترک باشد.

ماده ۹- مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف: مؤسسه یک دولت متعاقد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا
ب: اشخاصی واحد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند،
و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عائد یکی از این مؤسسات می‌شود، ولی به‌علت آن شرایط، عائد نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط حاکم بین دو مؤسسه، همان شرایط برقرار بین مؤسسات مستقل بود، عائد مؤسسه

دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

۳- مقررات بند (۲) نسبت به ثقلب، تقصیر سنگین یا تقصیر عمدی جاری نخواهد بود.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام، مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۰.۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد از طریق توافق دوجانبه، روش اعمال این محدودیت را معین خواهند کرد.

این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» به‌گونه مورد استفاده در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق به‌استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و نیز سایر درآمدهایی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم‌کننده یا پرداخت‌کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن به فعالیت کسب و کار بپردازد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام



پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقر دائم واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم‌نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم‌نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع‌ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- صرف‌نظر از مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده که مالک منافع آن است، تنها در دولت دیگر مشمول مالیات خواهد بود، مشروط به آنکه چنین هزینه مالی در موارد زیر پرداخت شده باشد:

الف: در ارتباط با فروش اعتباری هرگونه کالا یا تجهیزات؛

ب: نسبت به هرگونه وام یا اعتباری از هر نوع که توسط بانک اعطاء شده باشد؛

پ: به دولت متعاقد دیگر، از جمله هرگونه تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن، بانک مرکزی یا هرگونه مؤسسه مالی تحت مالکیت یا کنترل آن دولت؛
ت: به مقیم دولت دیگر در ارتباط با هرگونه وام یا اعتبار تحت ضمانت دولت دیگر، از جمله هرگونه تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن، بانک مرکزی یا هرگونه مؤسسه مالی تحت مالکیت یا کنترل آن دولت؛

مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد به‌موجب توافق دوجانبه روش اعمال محدودیت‌های مذکور در بندهای (۲) و (۳) را تعیین خواهند کرد.

۴- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به‌کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق

مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد. اصطلاح «هزینه‌های مالی» شامل هرگونه فقره درآمدی که به موجب مقررات بند (۳) ماده (۱۰) سود سهام تلقی می‌گردد، نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقررات واقع در آن، فعالیت کسب و کار داشته باشد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقررات باشد، مقررات بندهای (۱)، (۲) و (۳) اعمال نخواهد شد. در این صورت مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت‌کننده مقیم آن دولت باشد. مع‌ذلک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقرراتی باشد که در ارتباط با آن دینی ایجاد شده است که هزینه‌های مالی بابت آن پرداخت می‌شود و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقررات باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت محل وقوع مقررات حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافقی می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با در نظر گرفتن سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق الامتیازها

۱- حق الامتیازهای حاصله در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.



۲- مع‌ذلک، این حق‌الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق‌الامتیاز، مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از هشت درصد (۸/۱) مبلغ ناخالص حق‌الامتیاز نخواهد بود.

مقامات صلاحیت‌دار دولتهای متعاهد به‌موجب توافق دوجانبه، روش اعمال این محدودیت را تعیین خواهند کرد.

۳- اصطلاح «حق‌الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق نسخه‌برداری آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای پخش رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا برای اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق‌الامتیاز، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که حق‌الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقررات واقع در آن، فعالیت کسب و کار داشته باشد و حق یا اموالی که حق‌الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقررات ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این‌صورت مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۵- حق‌الامتیاز در یک دولت متعاهد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده مقیم آن دولت باشد. مع‌ذلک در صورتی که، شخص پرداخت‌کننده حق‌الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد دارای مقر دائمی باشد که مسؤولیت پرداخت حق‌الامتیاز در ارتباط با آن ایجاد شده و پرداخت حق‌الامتیاز بر عهده مقررات مذکور باشد حق‌الامتیاز در دولتی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقررات مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق‌الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق‌الامتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در اینگونه موارد،

قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی‌ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا ریلی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا ریلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر منافع در شرکتی که مقیم دولت متعاقد دیگر است، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به‌غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی که انتقال‌دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴- درآمد حاصل از استخدام

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۵)، (۱۷) و (۱۸)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه‌ای که مقیم یک دولت متعاقد بابت استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه اشتغال در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد بابت استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه کلیه شرایط زیر محقق شده باشد:

الف: جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند دوره در دولت دیگر در استخدام بوده است از یکصد و هشتاد و سه روز در هر دوره دوازده‌ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و
ب: حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت دیگر نیست پرداخت شود، و
پ: پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقرر دائمی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- در محاسبه دوره‌های مذکور در جزء (الف) بند (۲)، روزهای زیر محاسبه خواهد شد:

الف: تمامی روزهای حضور فیزیکی از جمله روزهای ورود و عزیمت، و
ب: روزهایی که خارج از دولت محل فعالیت گذرانده شده است، مثل تعطیلات آخر هفته، تعطیلات ملی، تعطیلات رسمی و سفرهای شغلی مرتبط با استخدام دریافت‌کننده در آن دولت، که پس از آن، فعالیت در قلمروی آن دولت از سر گرفته شده است.

۴- اصطلاح «کارفرما» مذکور در جزء (ب) بند (۲) به معنای شخصی است که نسبت به کار تولیدی محق‌بوده و مسؤولیت و خطر مرتبط با انجام کار را بر عهده دارد.

۵- علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق‌الزحمه حاصل بابت اشتغال در کشتی، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا ریلی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۵- حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به‌لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره یا هرگونه رکن صلاحیتدار مشابه شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

ماده ۱۶- هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به‌عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به‌عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی

خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۷) و (۱۴) می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عائد شخص دیگری شود، آن درآمد علی‌رغم مقررات مواد (۷) و (۱۴)، می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

ماده ۱۷- حقوق بازنشستگی

با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۸)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به‌ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۱۸- خدمات دولتی

۱-

الف: حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام‌شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب: مع‌ذلک، این حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه خدمات در آن دولت و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود که:

- تابع آن دولت بوده، یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲-

الف: صرف‌نظر از مقررات بند (۱)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن یا از محل صندوق ایجادشده از طرف آنها به فردی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب: مع ذلك، چنین حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه‌های مشابه تنها در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود مشروط بر آنکه فرد، مقیم و تبعه آن دولت باشد.

۳- در مورد حقوق، دستمزد و حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه‌های مشابه بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۶) و (۱۷) مجری خواهد بود.

ماده ۱۹- محصلین

وجوهی که محصل یا کارآموزی که صرفاً برای تحصیل یا کارآموزی در یک دولت متعاقد به سر می‌برد و مقیم دولت متعاقد دیگر است یا بلافاصله قبل از عزیمت به دولت محل تحصیل خود، مقیم آن دولت دیگر بوده است، برای مخارج زندگی، آموزش یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات دولت نخست نخواهد شد، مشروط به آنکه چنین وجوهی از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

ماده ۲۰- سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده این درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده است با این مقر دائم به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت مقررات ماده (۷) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۱- روش حذف مالیات مضاعف

۱- در مورد مقیم جمهوری اسلامی ایران، مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:

در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات جمهوری چک شود، دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در جمهوری چک، از



مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. مع ذلک، این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر به درآمد مشمول مالیات جمهوری چک تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲- با رعایت مقررات قوانین جمهوری چک در خصوص حذف مالیات مضاعف، در مورد مقیم جمهوری چک، مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد شد:

جمهوری چک، به هنگام وضع مالیات بر اشخاص مقیم خود، می تواند در پایه مالیاتی که مالیات ها نسبت به آن وضع می شود، اقلامی از درآمد را بگنجانند که به موجب مقررات این موافقتنامه می تواند مشمول مالیات جمهوری اسلامی ایران نیز شود، اما اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات پرداختی در جمهوری اسلامی ایران از مبلغ مالیات محاسبه شده نسبت به پایه مزبور، کسر شود. مع ذلک، این گونه کسور نباید از میزان مالیات چک که پیش از کسر، متناسب با درآمد مشمول مالیات جمهوری اسلامی ایران به موجب مقررات این موافقتنامه تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۳- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۲- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع آن دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط، به ویژه به لحاظ اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقررات مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت دیگر که همان فعالیت ها را انجام می دهند ناساعدتر باشد. این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاهد دیگر نیز اعطاء کند.

۳- به جز در مواردی که مقررات بند(۱) ماده(۹)، بند(۷) ماده(۱۱) یا بند(۶) ماده(۱۲) اعمال می شود، هزینه های مالی، حق الامتیاز و سایر هزینه های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود.

۴- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آنکه سنگین تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۵- علی رغم مقررات ماده(۲)، مقررات این ماده نسبت به مالیات های از هر نوع و توصیف اعمال خواهد شد.

ماده ۲۳- آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین داخلی دولتهای مزبور، می تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند(۱) ماده(۲۲) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف مدت سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً از جمله از طریق کمیسیون مشترک متشکل از خود یا نمایندگان خود، با یکدیگر ارتباط حاصل کنند.

ماده ۲۴- تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعاتی را که به گونه قابل پیش‌بینی، مرتبط برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجراء یا اعمال قوانین داخلی غیرمغایر با این موافقتنامه که مربوط به مالیات‌های از هر نوع و هر توصیفی باشد که از طرف دولت‌های متعاهد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع شده باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد مواد (۱) و (۲) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود.

۲- هر نوع اطلاعات دریافتی به موجب بند (۱) که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاهها و مراجع اداری) که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های مذکور در بند (۱)، یا نظارت بر موارد فوق تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۳- مقررات بندهای (۱) و (۲) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف: اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط‌مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

۴- چنانچه مطابق این ماده اطلاعات توسط دولت متعاهدی درخواست شود، دولت متعاهد دیگر اقدامات جمع‌آوری اطلاعات خود را به‌منظور حصول و تبادل اطلاعات درخواستی به‌کار خواهد گرفت، اگرچه آن دولت دیگر ممکن است به چنین اطلاعاتی از حیث مقاصد مالیاتی خود نیاز نداشته باشد.

ماده ۲۵- اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب

کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به‌موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۶- لازم‌الاجراء شدن

هر یک از دولتهای متعاهد از طریق مجاری دیپلماتیک، دولت دیگر را از تکمیل تشریفات لازم به‌موجب قانون داخلی خود برای لازم‌الاجراء کردن این موافقتنامه مطلع خواهد ساخت. این موافقتنامه در تاریخ آخرین اطلاعیه لازم‌الاجراء خواهد شد و مقررات آن لازم‌الاجراء خواهد بود:

الف: در مورد مالیات‌های تکلیفی، نسبت به درآمدی که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، این موافقتنامه لازم‌الاجراء شده است یا پس از آن، پرداخت شده یا اعتبار داده شده است؛

ب: در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به درآمد در هر سال مشمول مالیات که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سال لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه یا پس از آن شروع می‌شود.

ماده ۲۷- فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ‌نشده لازم‌الاجراء خواهد بود. هریک از دولتهای متعاهد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش‌ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف: در مورد مالیات‌های تکلیفی نسبت به درآمدی که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، یادداشت ارائه شده است یا پس از آن، پرداخت شده یا اعتبار داده شده است؛

ب: در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به درآمد در هر سال مشمول مالیات که در اولین روز سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، یادداشت ارائه شده است یا پس از آن، شروع می‌شود.

این موافقتنامه در پراگ در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۱۰ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۵/۰۴/۳۰ میلادی به زبانهای فارسی، چکی و انگلیسی تنظیم گردید که همه متون از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت هرگونه اختلاف بین متون فارسی و چکی، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت جمهوری چک آندره بابیس وزیر دارایی	از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران دکتر علی طیب‌نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی
--	--

تشریفات (پروتکل)

در زمان امضای موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، امضاءکنندگان زیر در مورد مقررات زیر که جزء لاینفک موافقتنامه مذکور می‌باشد به توافق رسیدند:

۱- هیچ‌یک از مفاد این موافقتنامه مانع هر یک از دو دولت متعاقد برای اعمال مقررات قوانین داخلی خود که با هدف جلوگیری از ترفند یا فرار مالیاتی می‌باشند نخواهد شد.

۲- در خصوص ماده (۲۴) (تبادل اطلاعات)، بدیهی است که، هیچ‌یک از مفاد بند (۳) این‌گونه تلقی نخواهد شد که به یک دولت متعاقد اجازه دهد صرفاً به این لحاظ که اطلاعات نزد بانک، سایر مؤسسات مالی، نماینده یا شخصی که در جایگاه نمایندگی یا امین مالی فعالیت می‌کند نگهداری می‌شود یا به دلیل مربوط بودن به منافع مالکانه یک شخص از ارائه اطلاعات مزبور امتناع کند.

در هر حال، اعمال بند فوق‌الذکر در هر دو دولت به اصلاحات قانونی قوانین و مقررات داخلی مربوطه که در حال حاضر مانع تبادل چنین اطلاعاتی در جمهوری

بیت

اسلامی ایران است بستگی دارد. مقام صلاحیتدار جمهوری اسلامی ایران بدون تأخیر مقام صلاحیتدار جمهوری چک را از تحقق شرایط لازم برای اعمال این مقررات مطلع خواهد نمود.

این تشریفات (پروتکل) در پراگ در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۱۰ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۵/۰۴/۳۰ میلادی به زبانهای فارسی، چکی و انگلیسی تنظیم گردید که همه متون از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت هرگونه اختلاف بین متون فارسی و چکی، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت

جمهوری چک

آندره بابیس

وزیر دارایی

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران

دکتر علی طیب‌نیا

وزیر امور اقتصادی و دارایی

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و هفت ماده و تشریفات (پروتکل) الحاقی آن در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ پنجم بهمن ماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. ب

علی لاریجانی